

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران



درود بر زندانیان سیاسی!

۲۱ اردیبهشت

روز دفاع از زندانیان سیاسی

... ما از تمام نیروها و عناصری که علیه رژیم استبدادی شاه می رزمند دعوت میکنیم این روز را بعنوان روز زندانیان سیاسی برگزار کنند و بدینسان یاد کرد از شهادت خسرو را به یک عمل رزم آورانه همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند ...

از اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹

با زندانیان سیاسی، خود را ملزم به رعایت هیچ ضابطه و معیار حقوقی و انسانی نمیدانند. زندانیان سیاسی در شکنجه گاههای اوین، باغ مهران، زندان باغشاه، یادگان عشرت آباد و زندان سلطنت آباد وحشیانه شکنجه میشوند، یا بدست شکنجه گران سر به نیست میشوند و یا در سلولهای بی نور، بی هوا، مرطوب و پر حشره و فاقد همه وسایل، زندانی میگردند، اجازه هواخوری ندارند، شرایط عادی ملاقات بر ایشان فراهم نیست، غذایشان بی رعم، غیر کافی، کثیف و آلوده است، حتی در زندان امنیت ندارند، اکثراً در کنار دزدان و چاقو کشان زندانی اند، رفتار با آنها توهین آمیز است، برای ابراز ندامت و پشیمانی مورد فشار قرار میگیرند، به مناطق دور دست و بد آب و هوا تبعید میشوند، برای مرعوب کردن و شکستن مقاومت آنها مأموران ساواک از توسل به شیوه های کثیف دروغ، اتهام و دشنام و تفتین و ایجاد تفرقه و بدبینی در میان زندانیان پرهیز ندارند. در زندانهای تهران و شهرستانها زندانیانی وجود دارند که بیش از ربع قرن از زندگی خود را در زندان گذرانده اند. هنوز عده ای از مبارزانی که در جریان حمله به آذربایجان گرفتار آمدند زندانی اند. عده ای از افسران عضو حزب توده ایران که مردانه بر سر آرمانهای خویش ایستاده اند، جوانی خود را در زندان به پیری رسانده اند. چه بسیار از افراد منتسب به دنباله در صفحه ۳

چهارمین سالی است که روز شهادت خسرو روز به، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران به روز دفاع از زندانیان سیاسی بدل شده است. حزب ما که در تمام ادوار فعالیت خود، دفاع از زندانیان سیاسی را صرف نظر از نظرات و عقاید آنان از شعارهای مهم سیاسی خود قرار داده، در این روز بازنگ خوش را رساتر از همیشه به دفاع از حقوق مجاهدانی که در چنگال درخیم اسپرند، بلند میکند و از همه نیروهای دمو-کراتیک میخواهد تا علیه بیداد گریهای رژیم با ما همصدا شوند.

بیست سال تمام است که رژیم استبدادی شاه، بی اعتنا به قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با تکیه به سر نیزه و فشار و توسل به روشهای قیرون وسطائی اربابان کلیسا و درخیمان انکیزیسیون و تفتیش عقاید، بر مهن ما حکومت میکند. ابزار این اعمال فشار در ۱۶ سال اخیر سازمان امنیت، یعنی شعبه سازمان جاسوسی امریکا در ایران بوده است. طی این دوران تاریخ، افراد و گروههایی متعلق به ایدئولوژیهای سیاسی ناممکن، در مبارزه با سیاست ضد ملی و ضد دمو-کراتیک رژیم، آماج پیگرد آدمکشان ساواک قرار گرفته، یا از کوچ و خیابان روده شده اند و یا در دل شب آدم دزدان سازمان امنیت به خانه های آنها یورش برده و آنها را به اسارت گرفته اند. تمام نمایندگان سازمان های بین المللی که در این سالها برای بررسی وضع زندانیان سیاسی به ایران رفته اند، گواهی داده اند که رژیم ایران در برخورد

قرار هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره

طرح برنامه حزب توده ایران

طرح برنامه حزب توده ایران منتشر گردید. این طرح ثمره شور و بررسی جمعی طولانی و تراز بندی تجارب سیاسی و عملی حزب ماست. این طرح کوششی است برای انطباق درست اصول عام مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط ویژه کشور ما، تا یک درک صحیح، اصولی و انقلابی از هدفهای دور و نزدیک حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، بر پایه تحلیل عمیق و جامع وضع جهان و ایران بدست آید. این سند بدون شک یکی از مهمترین اسناد در تاریخ حزب توده ایران است و انتشار آن واقعه برجسته ای در زندگی حزب بشمار میرود. جا دارد که همه رفقای حزبی، همه دوستان و هواداران حزب، همه هموطنان شیفته آزادی و استقلال که به مشی انقلابی حزب توده ایران علاقه دارند باین سند بنحوی جدی برخورد کنند، آنرا بررسی نمایند و بیاموزند.

طرح برنامه حزب توده ایران، طرق مشخص حل تضادها و معضلات جامعه و راه تحول بنیادی آنرا بیان میدارد و مقابله ایست از جانب حزب طبقه کارگر ایران با دعاوی رژیم موجود. این طرح در عین حال سند معتبری است برای مبارزه با نظریات و سفسطه های رنگارنگ ماجراجویانه و سکتاریستی چپ و ادعاهای ررتونیستی راست. روشن است که تنها حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر، قادر است تحلیل جامع و خالی از تناقضات منطقی، انقلابی، واقع بینانه از وضع جهان و ایران عرضه دارد، هدفهای دور و نزدیک حزب را که منطبق با خواستهای خلقهای کشور ماست در همه عرصه های اساسی حیات جامعه و مبارزه مردم روشن سازد.

این سند باید به محور وحدت اراده و عمل در حزب بدل گردد. این سند میتواند وسیله تجمع وسیع کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم استبدادی قرار گیرد.

همچنانکه در مقدمه طرح برنامه تصریح شده است انتشار این سند بصورت «طرح» برای آنست که همه رفقای حزبی و همه علاقمندان به مشی انقلابی حزب بتوانند در جریان تدارک شکل نهائی سند شرکت جویند. رهبری حزب در تدارک طرح سند تاکنون همین شیوه دموکراتیک بحث و شور و وسیع را بکار برده و نظریات انتقادی و اصلاحی و پیشنهادی دهها تن از کادرهای حزبی را مورد توجه قرار داده است. اکنون این بحث و شور وارد دائره باز هم وسیعتری میگردد و این بار نه فقط رفقای حزبی بلکه همه هموطنان علاقمند به مشی حزب امکان دارند که در اظهار نظر شرکت جویند. ما مطمئنیم که در این مرحله نیز برنامه میتواند بر اساس فیض گرفتن از نظریات وارده غنی تر و جامعتر و دقیق تر شود و بهتر خواستهای مردم کشور ما را منعکس کند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت انتشار طرح برنامه جدید حزب توده ایران مقرر میدارد:

مشکلات گوناگون اقتصادی کشور نتیجه یک سیاست ضد ملی

و قبول تحمیلات نو استعماری است.

اقتصاد کشور، علی رغم تبلیغات پرهیاهوی بلندگویان دولت، که میکوشند آنرا از هر جهت بیازایند و رضایت بخش جلوه دهند، دچار مشکلات بزرگی است، مشکلاتی که از معایب عمیق سیاست اقتصادی دولت حکایت میکند. این مشکلات بویژه در چهار نکته بشکل مشخص تجلی میکند:

۱ - وضع بازار گسانی خارجی، بنا باعتراف سخنگویان دولت و از آنجمله

نخست وزیر هویدا، با مشکلات مهمی مواجه است. این سخنگویان به این حقیقت که مردم ایران از آن ساهاست باخبرند، اعتراف میکنند که کشورهای عضو «بازار مشترک» مدتهاست بازرگانی نا برابری را بر ایران تحمیل کرده اند، بدین معنی که قریب ۱۲ برابر صادراتی که از ایران قبول کرده اند، کالا به ایران وارد میکنند. این مطلب فقط در باره کشورهای «بازار مشترک» صادق نیست. امریکا و ژاپن که دولت دربارهاشان دنباله در صفحه ۴

«ماوراءچپ» در سرانگشیب

۱ - منطق بی رحم انحراف

انحراف از خط مشی درست اصولی مارکسیستی - لنینیستی به «چپ» یا به راست، در درون خود منطق بیرحمانه‌ای دارد؛ لجاج در مواضع نادرست «چپ» یا راست، فرد منحرف شده را که از اصلاح بموقع اشتباه خود خودداری می‌ورزد، در سرانگشیب می‌طلاند. او را، در صورت یک چنین لجاج، در صورت یک چنین خودداری از اصلاح بموقع مشی خود، از یک عنصر «انتقاد کننده» مشی پرولتاری به مخالف، از یک مخالف به یک دشمن و از یک دشمن به یک خرابکار مبدل می‌سازد. او را بانجا می‌کشاند که موافق مثل معروف آنچه را که دیروز می‌پرستیده، می‌سوزاند و آنچه که می‌سوزانده می‌پرستد. او را بانجا می‌کشاند که باسانی به دشمن طبقاتی تسلیم می‌شود، با وی وارد اتحاد و توطئه می‌گردد تا حزب دیروزی خود، رفقای خود، اندیشه مورد ستایش دیروزی خود را نفی کند، بگوید، نابود سازد.

نمونه آن در تاریخ فراوان است. کائوتسکی روزی مارکسیست بود ولی لجاج او در مواضع ایورتونستی او را به نقی انقلاب اکتبر، توجیه جنگ امپریالیستی، دشمنی با احزاب انقلابی کارگری کشاند. وی به بنیاد گزار جناح سازشکار سوسیال دمکراسی، که طی سده کنونی نقش ناپسندی در حفظ سرمایه‌داری ایفا کرده و می‌کند، بدل شد. تروتسکی زمانی به بلشویکها پیوست

و در عالیترین رهبری حزب و دولت انقلابی شرکت جست. لجاجش در مواضع نادرست «چپ»، تسلیم با احساسات ذهنی و شخصی کین‌جویانه و جاه‌طلبانه او را بتدریج در حزب طبقه کارگر منفرد کرد، بعنصری خائن و خرابکار بدل شد. پیروانش امروزی یکی از افزارهای تخریبی امپریالیستی در نهضت انقلابی هستند. در کشور ما میتوان از خلیل ملکی نام برد. زمانی خلیل ملکی حزب را گاه از موضع «چپ» انتقاد میکرد و ضرورت فعالیت حزب را در مجلس و دولت مورد تردید قرار میداد، زمانی نیز تزه‌های راست روانه‌ای را در مورد خط مشی حزب مطرح نمود و اتر - ناسیونالیسم حزب را مورد تردید قرار داد.

پس از انشعاب از حزب، ملکی بتدریج مواضع آشکار ضد انقلابی و ضد کمونیستی منتقل شد و در جریان جنبش ملی کردن صنایع نفت نقش تخریبی برای جلو گیری از پیدایش جبهه واحد از نیروهای ناسیونالیست و کمونیست ایفاء کرد. وی در دفاعیه خود در دادگاه نظامی اوج تسلیم طلبی خویش را نشان داد و روشن ساخت که دیربست با ارتجاع پیمان بسته و دیگر اثری از اندیشه انقلابی در مشی مورد قبولش باقی نیست. رابطه ملکی با جناح راست سوسیال دمکراسی بین‌المللی که در خدمت امپریالیسم است در موارد متعددی روشن شد و نمایندگان این جناح رسماً هم بستگی خود را با وی نشان دادند. بهمین جهت لنین یاد آوری می‌گردد.

که اشتباه بخودی خود مهم نیست زیرا کسی که کار می‌کند اشتباه می‌کند. نسج حوادث اجتماعی از آن بغرنجتر و تحول آن از آن سریعتر است که بقول لنین حتی مغز «نود مارکس» بتواند آنرا بسرعت احاطه کند، لذا گاه اشتباه در قضاوت، ارزیابی، تصمیم روی میدهد. طبیعی است که با مراعات اکید اصولیت و علمیت در تحلیل و در عمل میتوان از وقوع اشتباه جلوگیری کرد. رهبری و کنترل جمعی یکی از طرق مؤثر جلوگیری از اشتباه است. با همه اینها وقوع اشتباه در فکرو عمل همیشه احتراز پذیر نیست. این بخودی خود مهم نیست. مهم آنست که اشتباه بزرگ و اصولی نباشد. مهم آنست که در موضع اشتباه آمیز لجاج نوزیم و آنرا بموقع تصحیح کنیم، و از قبول اشتباه خویش تن‌نظیم. بهترین علامت صداقت نسبت براه انقلاب و حزب انقلابی، رابطه نسبت با اشتباه خود، قبول و اصلاح آنست.

حزب توده ایران نیز در جریان مبارزات طولانی و بغرنج خود اشتباهاتی داشته است ولی همیشه شجاعت آنرا یافته که اشتباه را افشاء کند. آنرا انتقاد نماید و در رفع آن بکوشد و مشی خود را مستراً تصحیح تر، انقلابی تر، اصولی تر تنظیم نماید و بدینسان ثابت کند که یک حزب جدی و صدیق است.

۲ - منابع و منشاهای چپ روی

چپ روی و انحراف بسمت شعارهای بظاهر ماوراء چپ که در سالهای اخیر دیده میشود، پدیده بسی سابقه‌ای در تاریخ جنبش کارگری و انقلابی نیست. این چپ روی دارای منشاهای گوناگون است:

منشاه طبقاتی آن خرده بورژوازی
است. مقام خرده بورژوازی در تولید اجتماعی طوری است که او را به نوسان و میدارد؛ از سوئی مالک افزار تولید است، استثمار میکند ولی از سوی دیگر خود مورد استثمار طبقات حاکمه است و در کار مولد شرکت دارد. این وضع در او روحیه دو گانه ایجاد میکند. گاه این و گاه آن قوت می‌گیرد. از طرفی بسوی چپ می‌گراید و با بورژوازی وارد بند و بست میشود تا آنجا «گر می‌گیرد» که به شعارهای سوسیالیستی شائق میشود. از طرف دیگر بر راست می‌گراید و با پرولتاریا کین می‌ورزد و تا آنجا بخشش می‌آید که احساسات ضد بشری و فاشیستی در او قوت می‌گیرد. طغیان علیه بورژوازی که از تجاوزات سیاسی و اقتصادی ناخرسند است و به وضع مسلط و ثروت و مقامش حسد میبرد نوعی طغیان «در داخل خانواده» است. ولی نفرتش از توده‌های فقیر و بی چیز و ترسش از بقدرت رسیدن این توده‌ها دارای ریشه‌های عمیق است.

در جامعه سرمایه داری بخش عمده روشنفکران و کارمندان و قشرهای مهمی از دهقانان مرفه در موضع اجتماعی خرده بورژوازی قرار دارند، دارای روحیات ویژه

او هستند. در جوامع کشور های در حال رشد و متعلق به «جهان سوم» مانند کشور ما ترکیب خرده بورژوازی جامعه قوی است و این امر اثرات خود را در نهضت کارگری باقی می‌گذارد، ویژه آنکه در این کشورها قشر بلندی طبقاتی در ده و شهر بسر انجام نرسیده و مرزبندی‌ها گاه مبهم است و هم چنین طبقه کارگر صنعتی هنوز از جهت کمیت و کیفیت ضعیف است.

اختراع «راه سوم» بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری که در ایران ملکی برچمندار آن بود، انکار حقوق طبقاتی و ملی و دعوی سرکردگی مطلق تمام «ملت»، توسل به راههای ماجراجویانه، پوچستی و تروریستی؛ برخی عناصر ایدئولوژی خرده بورژوازی است، که امروز نیز باشکال مختلف بروز می‌کند.

منشاه معرفتی چپ روی، علاوه بر منشاه طبقاتی دارای يك منشاه معرفتی نیز هست که از «ذهن گرائی» و «اراده گرائی» و انکار نقش قوانین عینی تکامل اجتماعی برمی‌خیزد. کسی که درک نکند که جامعه بشری موافق قوانین عینی معینی رشد می‌یابد و تنها با مجاسبه این قوانین عینی، عناصر آگاه قادر اند نقش خود را در تسریع پروسه تکامل ایفاء کنند، ناچار به این نتیجه غلط می‌رسد که عزم واراده او و یارانش و توسل به راههای ویژه و یافتن «نیرنگهای مؤثر» تاریخی، جامعه را عوض می‌کند. مثلاً در انقلاب اجتماعی اراده گرایان تصور میکنند که عمل چند عنصر انقلابی، جدا از توده‌ها، بعنوان «موتور کوچک محرك» قادر است تمام اجتماع را که به دعوی آنها لخت و ترس زده است و منتظر هنر نمائی قهرمانان است بهیجان آورد و امر انقلاب اجتماعی را بسر انجام رساند.

بجاست که در کنار این دو منشاه يك منشاه یا عامل سیاسی را هم که برای زمان ما بسیار نمونه‌وار است، بیافزایم. در دوران ما، بگفته گس هال دبیر اول حزب کمونیست امریکا، آنتی کمونیسم در «بسته بندی چپ» کالائی است که خریدار بیشتری دارد. آنتی کمونیسم از مواضع راست یعنی از مواضع دفاع علنی از سرمایه داری، از مواضع فاشیستی، از مواضع عقب مانده خرافاتی بیش از پیش اثر خود را از دست میدهد ولی آنکسی که بگوید «من به دولت های سوسیالیستی ایراد دارم زیرا باندازه کافی انقلابی عمل نمی‌کنند» یا «من به احزاب کارگری ایراد دارم زیرا باندازه کافی جدی مبارزه نمی‌کنند». میتواند شونده گانی را بفریبد. شعارهایی که در «سیا» و دیگر سازمانهای جاسوسی تخریبی امپریالیستی بدست آنتی کمونیستهای حرفه‌ای با تجربه تنظیم شده است چنین است، از چپ بکوبید! رهبری نهضت‌های انقلابی و کشورهای سوسیالیستی را بی اعتبار و بدینسان نهضت را بی سر کنید! گاه از موضع دفاع از اصول مارکسیستی، هر نوع اندیشه نو و خلاق مارکسیستی، هر نوع نرزش تا کتیکی را بعنوان «کفر» و «الحاد» محکوم کنید و گاه از موضع

مبارزه با جهود فکری و دکماتیزم هر گونه استواری اصولی، هر گونه موضع گیری انقلابی بپذیر را به مسخره گیرید! نقش تخریبی گروههای ماوراء چپ در مورد حکومت مترقی سالوادر آلینده در شیلی و در مورد حزب کمونیست فرانسه و «برنامه مشترک» یقوی نشان میدهد که این شعار های ویرانگر در عمل به کجا می‌رسد.

۳ - مائوئیسم و نقش تخریبی آن

مائوئیسم بعنوان ایدئولوژی رهبری کنونی چین، یکی از پدیده های نمونه وار ایدئولوژی انحرافی و تخریبی در جنبش کارگری جهانی است که زمانی تروتسکیسم جلوه گاه آن بود. ترکیب نیرومند خرده بورژوازی جامعه چین و جنبش انقلابی این کشور، گوشه گیری طولانی تاریخی چین، عقب ماندگی عمومی کشور و غلبه موقت عناصر ناسیونالیست در رهبری چین بر عناصر انترناسیونالیست، این فاجعه را پیش آورد، که يك کشور بزرگ از اردو گاه سوسیالیستی، پس از يك انقلاب پیروزمند، گام در چنین جاده ای بگذارد؛ به انشعاب گری و تخریب در اردو گاه سوسیالیستی و در نهضت انقلابی و رهائی بخش جهانی دست بزند، با کشور های سوسیالیستی و در مرکز آنها اتحاد شوروی که نیروی عمده انقلاب و ترقی در جهان معاصر است وارد کین توری شود و با لجاج در این مواضع کارش سرانجام و عملاً به توطئه گری مشترک با امپریالیسم برسد. روش چین در عرصه سیاست جهانی، مخالفتش با ورود جمهوری پنگانلادش در سازمان ملل متفق و اتخاذ روش متفق در این زمینه با برتقال و افریقای جنوبی، مخالفتش با اقداماتی که در جهت تخفیف و خامت وضع جهانی میشود (مانند تشکیل شورای امنیت اروپا و اقداماتی که در جهت جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی می‌گردد و غیره)، تخریب او در مورد نقش «بازار مشترک اروپا» از این جهت که دیگر آنرا بمنابۀ يك انتگرا - سیون سرمایه داری مورد انتقاد قرار نمیدهد، مغالزه روز افروزش با ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی، اعلام اتحاد شوروی بمنابۀ «دشمن شماره يك» چین و تبلیغ «خطر از شمال» و پرورش وسیع مردم با روح دشمنی و سوء ظن به اتحاد شوروی و نظیر این اقدامات، روشهایی است که تنها و تنها مایه شادی امپریالیسم است، ولی توده های مردم جهان آنرا تقبیح و طرد میکنند. از زمان «انقلاب کبیر پرولتاری فرهنگ» دیری نگذشته و هدف این جریان که تغییر عمیق و بنیادی سیاست چین در جهت دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و نزدیکی به کشورهای امپریالیستی بوده، دیگر روشن شده است. همراه این مسخ سیاسی مائوئیسم جهانی، مائوئیست های ایرانی نیز بیش از پیش در سرانگشیب غلطیده‌اند و بیش از پیش در قضاوت آنها عناصری پیدا میشود که تنها میتوان در مورد تأیید رژیم ارتجاعی ایران باشد. مثلاً در مطبوعات مائوئیستهای ایرانی غیر مستقیم دنباله در صفحه ۳

قرار هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱) برای تسهیل مطالعه و درک عمیق مطالب برنامه جزوه ای تحت عنوان «یاری آموزندگان طرح برنامه حزب توده ایران» تدارک گردد. در این جزوه مهمترین مصطلحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طرح برنامه توضیح، آمارهای لازم ارائه و احکام عمده مارکسیستی در باره انقلاب اجتماعی یادآوری میشود. این جزوه باید هر چه زودتر انتشار یابد.

۲- در واحد های حزبی بشکل جمعی و انفرادی طرح، مورد بررسی قرار گیرد، بشکل جامع آموخته شود، نظریات انتقادی، اصلاحی و پیشنهادهای مربوطه در باره آن به مرکز رهبری حزب ارسال گردد تا برای اصلاح و تکمیل آتی طرح در نظر گرفته شود. در نقاطی که امکان بررسی جمعی وجود ندارد رفقای حزبی انفراداً طرح را مطالعه کنند و نظریات خود را ارسال دارند.

۳- بررسی و آموزش طرح، با استفاده از جزوه ای که به ضمیمه آن نشر خواهد یافت، بوسیله ای برای تبلیغ نظریات حزب و پخش وسیع اندیشه های آن با مراعات اسلوب اقتاع منطقی، بوسیله ای برای مقابله ایدئولوژیک با نظریات مخالفان حزب و دعای رژیم بدل شود.

۴- مطبوعات حزب و رادیوی پیک ایران کلیه تدابیر لازم را برای معرفی سند و توضیح و تبلیغ مستمر مضمون آن اتخاذ نمایند تا وسیعترین قشرهای جامعه از آن با دقت و جامعیت اطلاع یابند.

۵- کلیه نظریات واصله در باره این طرح بررسی گردد و گزارش در باره آنها برای ارائه به پلنوم آتی کمیته مرکزی تهیه شود.

پلنوم آتی کمیته مرکزی طرح را با توجه به نظریات ارائه شده بطور نهائی اصلاح و تصویب خواهد کرد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مطمئن است که رفقای حزبی واقعه مهم انتشار طرح برنامه حزب توده ایران را با تمام محتوی آن درک خواهند کرد و با تمام قوا و وظائف خود را در مورد این طرح و بررسی، آموزش و پخش و تبلیغ آن انجام خواهند داد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۲

«ماوراء چپ» در سرانگشیم

سیاست تسلیحاتی شاه توجیه میشود و اعتراض شدید حزب ما به سیاست جنون آمیز تسلیحاتی رژیم چنین جلوه داده میشود که ما نمیخواهیم رژیم شاه جلوی رخنه اتحاد شوروی را به خلیج فارس بگیرد! موافق این «منطق» نظامیگری رژیم که هدفش جلوگیری از «سوسیال امپریالیسم» است درست از آب درمیآید، برعکس نقش آن در اجراء نقشه های امپریالیسم آمریکا و انگلیس برای حفظ و خامت اوضاع بین المللی و تسلط بر جاده نفت و سرکوب جنبشهای مترقی عرب دربرده گذاشته میشود. بارها ما بین اتهاماتی که رژیم به حزب توده ایران وارد میسازد و اتهامات ما وارد از طرف مائوئیستهای ایرانی، نه فقط شباهت بلکه انطباق بوجود میآید. مثلاً در جریان مبارزه با رخنه عناصر پلیسی در سازمان حزبی ما در ایران، مائوئیستهای ایرانی نقش بدون افتخار دفاع از این عناصر و هماهنگی با دعای معمول پرویز ثابتی «مقام امنیتی» کذائی را بهعهده گرفتند و طی مقالاتی همان اتهامات را که سازمان امنیت میخواست به حزب توده ایران وارد کند، وارد کردند، چیزی که بطور عینی حاکی از نزدیکی شدن یک سلسله از مواضع رژیم و مائوئیستهاست.

«ماوراء چپ» در موقع معین از چپ چپ به راست راست عقب گرد میکنند. روش نیکخواه و لاشائی که زمانی پرچمدار ماوراء چپ بودند و اکنون سخنگوی رژیم، در این زمینه اند نمونه روشنی است. در واقع تغییر بزرگی در ماهیت نظریات ضد شوروی و ضد توده ای آنها انجام نگرفته و ماوراء چپ و ماوراء راست دیروزی و امروزی آنها دو چهره از یک واقعیت است. دیروز آنها حزب توده ایران را میکوبیدند، زیرا گویا با رژیم ساخته و امروز آنرا میکوبند، زیرا با رژیم مبارزه میکنند و درقبال «انقلاب سفید» سر تسلیم فرود نمی آورد. «استدلالات» یکی نیست ولی هدف حمله همانست: حزب توده ایران. و همین مسئله یعنی دشمنی با سازمان انقلابی اصیل هر کشور است که ماهیت تاخت و تاز ماوراء چپ و ماوراء راست را تشکیل میدهد.

۴- پیروزی نهائی بامشی اصولی است

ماوراء چپ با تبلیغات پسر جنجال و ظاهر فریب خود عده ای را که زمینه اجتماعی

رادیو پیک ایران را

بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ریدیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزرانهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

و روحی مساعد دارند بدام می افکنند، انرژی آنها را بهتر میدهد، از احساسات صادقانه آنها سوء استفاده میکند، آنها را بسوی ماجراهای بی سرانجام سوق میدهد و در نتیجه چنان ماه سردرگمی و گمراهی میشود که از آن یا تسلیم طلبی حاصل میگردد یا دلسردی و پاسیف شدن. این روش بطور عینی خدمتی است به ضد انقلاب و خیانتی است به انقلاب.

با تمام گرد و خاک غلیظی که ماوراء چپ و در مرکز آنها مائوئیست ها در صحنه جهانی و نیز در داخل نهضت ضد امپریالیستی ایران بر پا کرده اند، میتوان با اطمینان کامل شکست آنها را پیش بینی کرد. زیرا این نظریات که دیده را بر واقعیت می بندد و حقایق را وارزون میسازد نمیتواند دربرخورد با واقعیت، دیری تاب آورد. عوامل ذهنی

در تاریخ که با استفاده از قدرت و دستگاه

دولتی و امکانات اقتصادی میکوشند تا علی رغم قوانین حرکت و ضرورت های تکامل آن باین عمل یا آن عمل دست زنند، میدان و موفقیت بسیار محدود دارند. مائوئیسم در شکل ایدئولوژی دولتی بادر شکل ایدئولوژی انقلابی مآبانه گروه های ماوراء چپ مسلماً باناکامیهای مهمتری از گذشته روبرو خواهد شد و نسخه ها تشخیص ها و پیش بینی هایش مانند گذشته غلط و بی ثمر از آب در خواهد آمد و سرانجام از آن خاطره ای تلخ باقی خواهد ماند. هم

اکنون در بسیاری از مسائل مشت آنها باز

و شکست آنها عیان شده است و هر کس که با بصارت بنگرد درک میکند که این مشی را سرانجامی نیست.

ولی یکی از عوامل قطعی شکست هر

چه زودتر نظریات انحرافی راست و «چپ» مبارزه متحد، جورانه و منطقی باین نظریات

است. مغالزه باین نظریات و باحفظ بیطرفی

در قبال آنها بکار کمک نمیکند و برعکس

مضرات گوناگون را موجب میشود. کلاسیک

های مارکسیستی در زمینه مبارزه با انحرافات

راست و «چپ» پیوسته با قوت اصولی

و حرارت انقلابی عمل کردند هرگز پاسیف،

بیطرف آشتی جو و مغالزه گر نبودند. شرط

پیروزی جنبش و حزب طبقه کارگر صحت

مشی آنست. مشی صحیح تنها در نبرد مستمر

با انحرافات «چپ» و راست شکل میگردد.

مشی صحیح علیرغم هر دشواری که با آن

روبرو شود، از آنجا که سیر تکامل تاریخ،

خواست توده ها، مقتضیات تکامل را همراه دارد، پیروز خواهد شد.

۱. سپهر

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

دفاع از زندانیان سیاسی

ماده ایران، فرقه دموکرات کردستان سازمانهای دانشجویی، مذهبی و سایر گروه های متعالف رژیم که در این سالها بازداشت شده و هنوز در زندان اند. رفقا خاوری و حکمت جو که در تبعید زندانی اند، شرایط نامساعد زندان و اعمال فشار آنها را بیمار کرده است. رفقا صابر و آصف کارگران عضو حزب توده ایران هنوز در زندان اند. در چند سال اخیر دهها دختر و پسر مبارز باتهام شرکت در مبارزات دانشجویی و یا فعالتهای چریکی به زندان افتاده اند.

ما بهمه زندانیان پیکار خود درود میفرستیم و از همه اعضا و هواداران حزب، از همه نیروهایی که برای استقرار آزادی و عدالت در مین ما مبارزه میکنند میخواهیم که با زندانیان سیاسی و خانواده های آنها بیش از پیش همبستگی نشان دهند و با همه امکانات خود به کمک آنها بشتانند. پایداری این رادمدان در سپاهچال های زندان هنگامی که نتیجه مطلوب خواهد رسید که افکار عمومی ایران و جهان از آنان فعالانه پشتیبانی و حمایت کند. علیرغم سالوسی های رژیم، جهانیان هر روز روشن تر در باره شیوه های ضد دموکراتیک هیئت حاکمه ایران قضاوت

میکند. نمونه آن اعتراض متفق پنج سازمان معتبر بین المللی و اقیانوس ماهیت ضد دموکراتیک رژیم ایران است، نمونه آن قرار گرفتن ایران در کنار رژیمهای فاشیستی اسپانیا و یونان است که باید در آینده نزدیک پاسخ گوی اقدامات ضد قانونی خود در برابر کمیسیون حقوق بشر باشند، نمونه آن اعتراضی است که عده ای از نمایندگان دو مجلس انگلستان چند هفته پیش به دعوت هویدا نمودند. آنها به نخست وزیر انگلیس که از هویدا، نخست وزیر کشوری که کلیه موازین دموکراسی را لگدمال کرده دعوت نموده، شدیداً اعتراض کردند.

باید در جلب بیش از پیش افکار عمومی جهان، در زنده داری از سیمای استبدادی رژیم شاه، در نشان دادن ماهیت سازمان آدم دزدی، آدمکشی و جاسوس پروری سازمان امنیت که جانشین تمام سازمانهای قانونی کشور شده، در افشاء شیوه های ترور و اختناق و سرکوب آزادیهای مردم، نیرو هارا بیش از پیش هماهنگ ساخت.

درود به رزمندگان دلیری که در زندانهای شاه نشسته اند!

درود بر خانواده های زندانیان سیاسی! پایداری باد خساطره تابناک خسرو روزه، قهرمان ملی ایران!

مینو

دنباله از صفحه ۱

مشکلات گوناگون اقتصادی کشور

سکوت میکند، نیز در قبال صادرات ناچیزی از ایران، بیش از ده برابر کالا بایران وارد می‌سازند. علت سروصدای اخیر سخنگویان دولت و مطبوعات وابسته برژیم در این زمینه، تنها مشکلاتی نیست که گویا برای فروش محصولات ایران در کشورهای متعلق به «بازار مشترک» وجود دارد. علت دیگری که آنرا میکوشند پنهان دارند آنست که رژیم میخواهد، بسود بسط بازار هم بیشتر واردات از امریکا، میدان عمل کشور های «بازار مشترک» را تنگتر کند یعنی در رقابت بین امریکا و «بازار مشترک» به باری امریکا بشتابد. بعلاوه سخنگویان رژیم نمیگویند که عیب اساسی بازار گانی خارجی ما عدم توازن واردات و صادرات نیست، بلکه مبادله نا برابر یعنی گران خریدن کالاهای خارجی و ارزان فروختن اجناس ایرانی و نیز قبول آنچنان اقلام کالائی است که غالباً از جهت نیازمندیهای رشد کشور بلکی زائد است و خرید آنها تنها برای تأمین منافع غارتگرانه انحصارهای امپریالیستی است که مایلند کالای خود را در جائی آب کنند. دعوی سخنگویان دولت که گویا آنها بخاطر بازار یابی است که دست به این افشاآت زده‌اند نیز استتار واقعیت است. روشن است که ایران خود یک بازار سی میلیونی است و در صورتیکه قدرت خرید اهالی شهر و ده مانند حال آنقدر در سطح نازل نبود، این بازار باسانی میتوانست چندین برابر محصولات محدود کنونی کشور را باسانی جنب و هضم کند. مشکل بازار یابی در ایران ناشی از توزیع غیر عادلانه ثروت در داخل کشور و عرضه کردن بازار ایران به سیل کالاهای خارجی است.

۲ - دومین مشکلی که اقتصاد کشور با آن روبروست مسئله بیکاری و معضل

اشتغال است. رشد صنایع و بطور کلی اقتصاد کشور با آن آهنگی نیست که بتواند نیروی آزاد را باندازه کافی جذب کند. نفوس کشور در حال افزایش دائمی است. در اثر تحولاتی که در روستای ایران روی میدهد، از جمعیت شاغل در تولید کشاورزی کاسته میشود و سیل مهاجران از ده به شهر می‌آیند. بعلاوه گروه انبوهی از پشه‌وران در نتیجه تحولات سرمایه‌داری ورشکست میشوند و بگروه انبوه بیکاران آشکار و پنهان می‌پیوندند. بیکاری در جامعه امروزی بلیه بزرگی است.

آمار مبتنی بر مبانی علمی در باره تعداد بیکاران دردست نیست ولی بااطمینان میتوان گفت این یک سیاه تیره‌روز چند میابونی است.

اگر رشد اقتصادی کشور با آهنگ لازم همراه بود، جذب این نیروی آزاد بکارمیسر میشد و سطح رفاه بالا تر میرفت و از میزان فقر و تیره‌روزی عمومی کاسته میگردد. مشکل اشتغال آنچنان مشکل حادی است که در پنجمین «کنفرانس ملی کار» شاه و هویا درباره آن اعتراضات صریحی کرده‌اند.

ما بمسائل مربوط به این کنفرانس طی مقاله جداگانه‌ای توجه خواهیم کرد.

۳ - سومین مشکلی که اقتصاد کشور با آن روبروست بلائی گرانجی است

که بصورت یک فاجعه واقعی در آمده است. دولت دعوی میکند که گویا این جریان یک جریان کاملاً عادی است و گویا در همه جای دنیا گرانجی وجود دارد و علت آنهم تنها سود جوئی برخی کسبه و بازرگانان گرانفروش و یا تأثیر بازرجهانی است. وعده‌های مکرر و مکرر بی پشتوانه و بی اثر دولت برای جلوگیری از گرانجی کاملاً جنبه مضحکه بخود گرفته است. در سیاست دولت پند و اندرز

و تهدیدهای قرون وسطائی جانشین اقدامات جدی و بیکار اقتصادی میشود. دولت علاقهای ندارد و مایل نیست که کلیه علل واقعی گرانجی را که متنوع و بغرنج است افشاء کند. غارتگری امپریالیستها و سرمایه‌داران داخلی، مخارج غیر مولد و سیاست تورمی دولت و

هزینه‌های کمر شکن نظامی، سیاست مالیاتی دولت که متضمن تکیه به مالیاتهای غیر مستقیم است از جمله ریشه‌ها و علل گرانجی است. بر خلاف ادعای دولت گرانجی در همه کشورهای جهان وجود ندارد. مثلاً در کشورهای سوسیالیستی سالیهاست که باموقفیت ثابت قیمتها حفظ میگردد و تعیین قیمتها از طریق موازن علمی از طرف دستگاههای اقتصادی کشور انجام میگردد. گرانجی و افزایش هزینه سریع زندگی و سقوط دائمی ارزش ربال و قدرت خرید مردم، مایه تیره‌روزی زحمتکشان شهر و ده و کارمندان کوچک و متوسط است.

۴ - چهارمین مشکل اقتصادی

کنونی کشور بحران کشاورزی است که سخنگویان رژیم نیز بارها و بناچار بدان اعتراف کرده‌اند. این مشکل نیز محصول سیاست غلط اقتصادی دولت است. زمینهای بزرگ و مرغوب کماکان در دست مالکان است. اراضی مرغوب زیر سد به سرمایه‌گذاران خارجی واگذار میشود. با آنکه

مسئله آب در کشور ما بهر جهت مسئله مهم و بغرنجی است، ولی میتوان باتسکاء دانش امروزی این مسئله را حل کرد و میلیونها هکتار به اراضی زیر کشت و مراتع افزود.

میتوان با اتخاذ یک سیاست دمکراتیک ارضی در جهت تقسیم املاک بزرگ بین دهقانان بی زمین و کم زمین، الغاء اقساط و قروض، تجدید نظر در سیستم اعتباراتی بسود دهقانان و غیره قدرت فعاله دهقانان زحمتکش را چندین برابر ساخت و محصولات کشاورزی را باندازه نیازمندی کشور و بیش از آن ایجاد کرد. ما در این زمینه در گذشته بتفصیل سخن گفته‌ایم (مردم آذرماه ۱۳۵۱) و آن مطالب را تکرار نمیکنیم.



این مشکلات مهم چهار گانه، یعنی مشکلات بازرگانی خارجی، بیکاری، گرانجی و بحران کشاورزی هیچکدام ضروری و یا ناشی از عواملی که رفع آن از دسترس دولت خارج باشد نیست. همه این مشکلات نتیجه روشهای مضر و ضد ملی دولت و قبول

تسلیت



تحمیلات نواستعماری است. اگر دولت از عواید سرشار نفت بدرستی و برای امور عمرانی استفاده میکرد، اگر دولت به تسلیحات بی بند و بار و جنون آمیز و نظام‌گیری ماجراجویانه دست نمیزد، اگر دولت تحمیلات نو استعماری سرمایه داران امپریالیستی را در عرصه بازرگانی که میخواهند ارز ما را غارت کنند، هر چه را که مایلند گران بفروشند، آنچه را که مایلند ارزان بخرند و در بند صرفه اقتصادی و ضرورت‌های رشد کشور ما نباشند، نمی پذیرفت، باسانی می توانست مشکلات موجود را چاره کند و امر تأمین رونق اقتصادی و رفاه عمومی را تا حد زیادی پیش ببرد. رژیم چنین نمیکند و با تعقیب سیاستی که موافق با مصالح ملی ما نیست، بلکه ناشی از منافع امپریالیستها و مرتجعترین محافل طبقات حاکمه کشور است، جامعه را روز بروز با دشواریهای اقتصادی تازه ای روبرو میسازد، مشکلاتی که مسلماً در آینده بسط بیشتری خواهد یافت.

مردم ایران مطالبند که در سیاست اقتصادی دولت در جهت رفع معایب عمقی آن تجدید نظر کامل شود و تأمین استقلال اقتصادی و احترام بمصالح ملی و منافع توده های مردم و رفاه عمومی زحمتکشان شهر و ده محور این سیاست قرار گیرد.

دولت باید از روش بی بند و بار و حادثه جویانه نظام‌گیری و بهدر دادن میلیارد ها دلار بخاطر خرید اسلحه از امپریالیست‌هاست بردارد.

باید از دولت طلبید تا برای بسط بازار داخلی دست به اقدامات مجدانه در جهت تجدید توزیع ثروت بزند و لااقل تفاوت فاحش و زنده فقر و ثروت را از میان بردارد.

اقدامات سطحی و محدود مانند سهم کردن کارگران در سود و سهام کارخانه ها وسیله این تجدید توزیع نیست. تنها از طریق اجراء دقیق قوانین کار و بیمه، تأمین آزادی واقعی سندیکائی، اجراء اصلاح ارضی دمکراتیک، تجدید نظر در سیاست مالیاتی بمنظور کاهش

از مالیات غیرمستقیم و افزایش مالیاتهای مستقیم تصاعدی، تجدید نظر در سیستم اعتباراتی بسود دهقانان و پیشه‌وران و سرمایه داران کوچک و متوسطی که با تولید و توزیع داخلی سر و کار دارند و در جذب کالاهای صنعتی و توسعه بازار داخلی نقش عمده دارند، میتوان گامهای جدی در جهت تجدید توزیع ثروت برداشت و ایران را از وضع کنونی که بهشت غارتگران خارجی و داخلی است بیرون آورد. توسعه بازار داخلی، بالا بردن قدرت خرید توده های وسیع توده های مردم شهر و ده، اعتلاء سطح رفاه زحمتکشان از طریق مهار کردن غارتگران داخلی و خارجی به ضرورت مبرم و حاد روز بدل شده است.

مشکلات اقتصادی کنونی جلوه هائی از تضاد های تازه ایست که نظام اقتصادی ایران، یعنی نظام سرمایه داری وابسته به سرمایه‌داری امپریالیستی در بطن خود پرورش میدهد. این تضادها مرتباً عمیقتر خواهند شد و بصورت بحران آمیزی سراسر جامعه را فرا خواهند گرفت.

با اندوه فراوان اطلاع یافتیم بقیق حزبی ما رضا قاضی پس از مدتی بیماری دشوار، در بیمارستان شهر دوشنبه (جمهوری شوروی تاجیکستان) در سن پنجاه و چهار سالگی زندگانی را بدرود گفت. شادروان رضا قاضی از سال ۱۳۲۴ عضو حزب توده ایران بود و در تمام ایام عضویت در مأموریتها و مقامات مختلف با صداقت، فداکاری و بی‌ریائی که صفات برجسته روحی او بود به آرمان حزب ما خدمت کرد. در دوران اخیر زندگانی رضا قاضی در انستیتوی زبان و ادبیات دوشنبه بکار علمی اشتغال داشت. شادروان رضا قاضی برادر رفیق شهید سرهنگ قاضی اسداللهی است که در سنگر مبارزه با ارتجاع ایران در آذربایجان شهادت رسید. ما در گذشت دوست و رفیق فراموش نشدنی خود رضا قاضی را به بانو اگر قاضی و فرزند آن شادروان و دیگر بازماندگان خانواده قاضی تسلیت قلب تسلیت میگوئیم و برای آنان باینداری در مقابل اندوه و ضایعه را آرزو مندیم.

با این آدرس با رادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله بیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

مردم ایران باید در زیر شعارها و مظلما. لبات اقتصادی مشخص که در این جا شمه ای از آنها را مطرح کرده ایم وارد مبارزه شوند و حقوق حقه خویش را بطلبند و اجازه ندهند که سیاست ضد خلقی و فلاکت خیز اقتصادی کنونی ادامه یابد. شرایط داخلی و خارجی برای این مبارزه و پیشرفت جزئی یا کلی آن مستمراً مساعد تر میشود. نباید در مقابل تحمیلات رژیم خاموش نشست. باید در چارچوب امکانات موجود و بهر شکلی که متضمن تأثیر بیشتری باشد علیه روشهای مضر اقتصادی دولت مبارزه کرد.